



درآمدی بر شناسایی پراکنش توسعه‌یافتگی در افغانستان با کمک تکنیک تاپسیس اقلیدسی

ولی محمد فائز^۱

سید محمد باقر نجفی^۲

محمد شریف کریمی^۳

جمال فتح‌اللهی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

چکیده

یکی از مسائل مهم کشور افغانستان پراکنش نابرابر توسعه‌یافتگی در بین ولایات مختلف افغانستان است. توسعه‌یافتگی بر اساس معیارهای مختلفی مانند سطح درآمد، سطح سواد و تحصیلات، بهداشت، زیرساخت‌های فیزیکی و ارتباطی و غیره قابل سنجش است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اختلاف سطح توسعه‌یافتگی در کشور افغانستان برای دو مقطع زمانی ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ انجام شد. برای این منظور، رویکرد سه مرحله‌ای شامل انتخاب شاخص‌های توسعه، محاسبه درجه توسعه‌یافتگی ولایات و تجزیه و تحلیل تغییرات منطقه‌ای با استفاده از تکنیک تاپسیس اقلیدسی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد؛ (۱) ولایت کابل در هر دو مقطع زمانی در رتبه نخست توسعه‌یافتگی قرار گرفته است. (۲) درجه توسعه‌یافتگی کابل در سال ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۴ با کاهش مواجه بوده است و از عدد یک به مقدار ۰/۵۲۸۰ رسیده است. کاهش درجه توسعه‌یافتگی در سایر ولایات افغانستان نیز به غیر از ولایت کندز، هرات و هلمند، رخ داده است. (۳) به طور کلی می‌توان گفت، وضعیت توسعه‌یافتگی این کشور بهبود نیافته است. چرا که میانگین توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در مقطع سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ افزایش نیافته و انحراف معیار توسعه‌یافتگی این کشور نیز کاهش نیافته است. (۴) شکاف بین پیشرفته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین ولایات بیشتر شده است.

واژگان کلیدی: توسعه، نابرابری، تاپسیس، افغانستان.

Wali.fayez@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه

najafismb@gmail.com

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول)

sharifkarimi@yahoo.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه

jfathollahi@gmail.com

۴. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۱- مقدمه و بیان مساله

یکی از مباحث عمده و اساسی در طراحی نظام برنامه‌ریزی جامع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئله توسعه متوازن است که در فرایند توسعه ملی، ویژگی‌های هر منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به همگن‌سازی مناطق از دیدگاه برخورداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخص‌های مورد نظر، مسئله‌ای است که می‌تواند در راه نیل به اهداف کمی و کیفی برنامه‌های ملی، تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار دهد و با تغییر نگرش و جهت‌گیری متناسب با هدف کاهش تعادل منطقه‌ای، چهارچوب سیاست‌گذاری ملی را سازماندهی کند (غفاری فرد، ۲۰۱۹).

پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم تا کنون تلاش‌های بسیاری در دو حوزه نظری و اجرایی برای حل مشکلات پهنه‌های وسیع توسعه نیافته در سراسر دنیا صورت گرفته است. با این حال، بسیاری از این کشورها همچنان با خیل عظیمی از مشکلات دست به گریبان هستند. رفع فقر دامنه‌دار و نابرابری زیاد - و حتی رو به رشد- در توزیع درآمد در زمره مشکلات اصلی توسعه‌ای بوده و در واقع به نظر بسیاری از مردم، هدف اولیه هر گونه سیاست‌گذاری توسعه‌ای است. این موضوع، فقط بخش کوچکی از مشکل بزرگتر نابرابری در دنیای در حال توسعه است. نابرابری‌ها در حوزه‌هایی مانند قدرت، اعتبار، شان اجتماعی، جنسیت، رضایت شغلی، شرایط کار، میزان مشارکت، آزادی انتخاب و بسیاری از ابعاد دیگر نیز به همین اندازه یا شاید بیشتر از آن اهمیت دارند (تودارو و اسمیت^۱، ۲۰۱۴: ۲۱۸). تأکید بر شعار «هیچ‌کس پشت سر رها نخواهد شد» در جنبش ۲۰۳۰ برای دستیابی به توسعه پایدار نیز نشان‌دهنده اهمیت عدالت و برابری برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع است (سازمان بهداشت جهانی^۲، ۲۰۱۶: ۲). تودارو معتقد است موضوع اصلی کشورهای توسعه‌نیافته نحوه افزایش درآمد نیست بلکه تعداد افرادی است که در این افزایش سهم هستند. اگر ثروتمندان در این افزایش سهم باشند، رشد اقتصادی به احتمال زیاد در قبضه آنان درآمده و فقر و بی‌عدالتی تشدید می‌گردد. اما اگر این افزایش درآمد ملی در دست عده‌ای کثیر قرار گیرد، آن مردم به ذینفعان اصلی تبدیل شده و ثمرات رشد اقتصادی به شکل برابری توزیع می‌شود (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۲۱۷-۲۱۸). به عقیده پتراکوس^۳، ۱۲ عامل (صرفه‌های ناشی از تجمع، صرفه‌های ناشی از مقیاس، ویژگی جغرافیایی مطلوب، یکپارچگی، سرمایه انسانی، اندازه بازار، تنوع فعالیت‌ها، ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، سیاست‌های بخشی،

1. Todaro & Smith (2014)

2. World Health Organization (2016)

3. Petrakos

سطح توسعه مناطق و حد آستانه فعالیت‌های اقتصادی) بر افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای تأثیر گذار است (پتراکوس^۱، ۲۰۰۹: ۲۸).

در رابطه با تأثیرات منفی نابرابری بر رشد و توسعه دلایل بسیاری ذکر شده است. اگرچه هدف، برابری کامل نیست. زیرا برخی از نابرابری‌ها به رشد اقتصادی کمک می‌کنند و برخی هم ارزش بررسی ندارند. اما وقتی نابرابری شدید شود، آثار زیان‌بار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن آشکار می‌شود. زیرا نابرابری‌های شدید، مانع رشد اقتصادی شده و برابری سیاسی و ثبات اجتماعی را تضعیف می‌کند. بدترین وجه نابرابری، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها است که هم علت و هم پیامد سایر اشکال نابرابری است (دویل و استیگلitz^۲، ۲۰۱۴: ۷). نابرابری‌های فضایی می‌تواند به وحدت ملی آسیب رسانده و پیشرفت عمومی اقتصاد را نیز متوقف سازد (چلبی، ۱۹۹۶: ۲۲۰). وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه‌های محروم را متوجه گروه‌های مرفه نموده و باعث مشکلات بیشتر و بزرگ‌تری خواهد شد (مباشر امینی، ۲۰۱۸: ۸۵-۷۱). تودارو در پاسخ به این سوال که چه چیزی در نابرابری زیاد نامطلوب است و چرا حتی باید نگران نابرابری بین کسانی شد که بالای خط فقر قرار دارند، دلایلی را بیان می‌کند که عبارتند از: (۱) نابرابری شدید منجر به ناکارآمدی اقتصادی می‌شود. (۲) در شرایط نابرابری‌های زیاد، نرخ کلی پس‌اندازها در نظام اقتصادی کمتر است. علاوه بر این، نابرابری ممکن است به تخصیص ناکارآمد دارایی‌ها بینجامد. (۳) نابرابری‌های شدید درآمدی موجب تخریب ثبات و همبستگی اجتماعی می‌شود. این نابرابری‌ها حتی بدتر از آن، موجب تقویت قدرت سیاسی ثروتمندان شده، به این ترتیب قدرت چانه‌زنی اقتصادی ایشان را افزایش می‌دهد. (۴) افزایش نابرابری باعث آسان شدن رانت‌جویی - شامل اقداماتی مانند اعمال نفوذهای فراوان، کمک‌های مالی هنگفت سیاسی، رشوه‌خواری و خویشاوند مداری- می‌شود. (۵) نابرابری زیاد، اصلاح نهادهای ناکارآمد را بسیار دشوار می‌کند زیرا قلیلی که قدرت و پول را در سلطه خود درآورده‌اند، احتمالاً وضعیت خود را پس از اصلاحات مطلوب اجتماعی، نامقبول ارزیابی می‌کنند، به این ترتیب از انگیزه و ابزارهای مقابله با این اصلاحات برخوردارند. (۶) نابرابری زیاد احتمالاً مردم فقیر را به جانبداری از سیاست‌های عوام‌فریبانه‌ای سوق می‌دهد که خود آن مردم را بازنده می‌کند. (۷) نابرابری شدید عمدتاً به مثابه بی‌عدالتی محسوب می‌شود (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۲۳۳-۲۳۵).

1. Petrakos (2009)

2. Doyle and Stiglitz (2014)

در عین حال، کاهش نابرابری دارای مزایای اقتصادی و اجتماعی قابل‌اعتنایی است. زیرا احساس مردم را در مورد عادلانه بودن اقتصاد تقویت می‌کند. انسجام و امنیت اجتماعی را بهبود می‌بخشد و شهروندان بیشتری را قادر می‌سازد تا از قابلیت‌های خود استفاده کنند. بر این اساس، سیاست‌هایی که در فرآیند توسعه، تنها رشد اقتصادی را هدف قرار داده و نابرابری را نادیده می‌گیرند در نهایت محکوم به شکست هستند (دویل و استیگلیتز^۱، ۲۰۱۴: ۷).

نابرابری در بسیاری از کشورهایی که مرزهای جغرافیایی وسیعی دارند چالشی اساسی است و مانع قدرتمندی برای دستیابی به توسعه متعادل و متوازن مناطق است. چرا که در این کشورها ایجاد وحدت ملی غالباً سخت و دشوار است (لطفی، ۲۰۱۶). افغانستان کشوری با تنوع زیاد اجتماعی، قومی و مذهبی یکی از مصادیق همین مناطق است. نگاه کوتاهی به جمعیت فقرا در این کشور حاکی از پراکنش به شدت نابرابر فقر در آن است. حدود ۷۰ درصد ولایات افغانستان با فقر گسترده دست به گریبان هستند. بیش از نیمی از جمعیت این مناطق را فقرا تشکیل می‌دهند. در حالی که بر طبق همین آمار، تنها ۱۴/۷ درصد جمعیت کابل در قیاس با سایر ولایات، فقیر محسوب می‌شوند (جدول ۱).

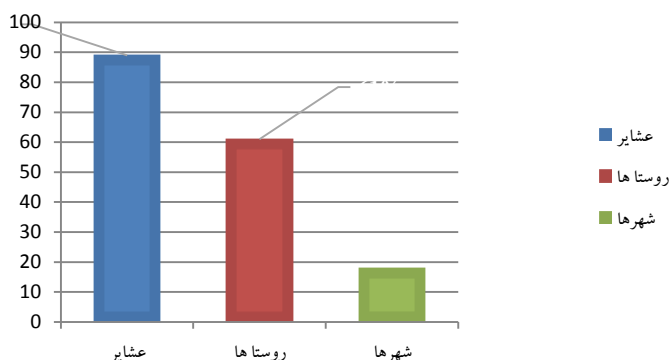
جدول ۱: جمعیت فقرا در سطح ولایات افغانستان بر حسب درصد

ردیف	ولایت	فقر (درصد)	ردیف	ولایت	فقر (درصد)
۱	کابل	۱۴/۷	۱۸	سرپل	۶۱/۳
۲	هرات	۵۷/۶	۱۹	پکتیا	۴۸/۳
۳	ننګرهار	۶۶/۳	۲۰	جوزجان	۴۳/۰
۴	بلخ	۴۵/۰	۲۱	فراه	۶۶/۷
۵	هلمند	۷۳/۹	۲۲	بادغیس	۸۵/۵
۶	کندهار	۶۶/۷	۲۳	دایکندي	۶۷/۴
۷	غزنی	۵۸/۷	۲۴	کرها	۵۷/۰
۸	کندز	۷۷/۳	۲۵	بامیان	۵۹/۳
۹	فاریاب	۶۸/۳	۲۶	لغمان	۶۲/۷
۱۰	تخار	۵۱/۹	۲۷	کاپیسا	۲۴/۷
۱۱	بدخشان	۶۴/۹	۲۸	ارزگان	۷۱/۲
۱۲	بغلان	۵۸/۰	۲۹	لوگر	۳۰/۴
۱۳	پکتیکا	۲۹/۷	۳۰	سمنگان	۷۲/۷
۱۴	غور	۷۰/۱	۳۱	زابل	۷۶/۹
۱۵	پروان	۴۲/۴	۳۲	نیمروز	۴۷/۵
۱۶	میدان وردک	۶۷/۱	۳۳	پنجشیر	۲۵/۰
۱۷	خوست	۵۱/۶	۳۴	نورستان	۸۰/۲

منبع: اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۸

^۱. Doyle and Stiglitz (2014)

فقر در روستاها نسبت به مناطق شهری و در بین عشایر بیشتر از روستاها ریشه دوانده است. آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸، میزان فقر در مناطق شهرنشین افغانستان معادل ۱۸ درصد و در مناطق روستایی ۶۱ درصد است. این نسبت در میان مناطق عشایری به ۸۹ درصد می‌رسد. میزان فقر همه‌جانبه در ولایت کابل، پایتخت افغانستان، حدود ۱۵ درصد، در ولایت بادغیس در شمال غرب افغانستان ۸۵ درصد و در نورستان در شرق افغانستان ۸۰ درصد است (نمودار ۱).



منبع: اداره مرکزی احصائیه، ۱۳۹۸

نمودار ۱: وضعیت فقر در شهرها، روستاها و مناطق عشایرنشین افغانستان

درصد جمعیت فقیر تنها یکی از موارد نابرابری در کشور افغانستان است که به عنوان نمونه در این مقاله به آن استناد شده است. از یک سو علیرغم تلاش‌های صورت گرفته این کشور سال‌هاست که دستاورد چندانی در زمینه توسعه نداشته و از سوی دیگر، نابرابری بین مناطق مانع اصلی توسعه متوازن و هماهنگ اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است (پتروویچ و رادوکیچ^۱، ۲۰۲۰). بنابراین به یک اعتبار، اولین قدم در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و دستیابی به رشد و توسعه متوازن‌تر در افغانستان، بررسی وضعیت موجود ولایات مختلف از منظر درجه توسعه‌یافتگی است. از همین رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی پراکنش توسعه‌یافتگی در کشور افغانستان طراحی شده است.

۲- مرور ادبیات نظری

در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و با فروپاشی نظام کهنه استعماری کشورهای تازه استقلال‌یافته بسیاری پدیدار شدند که با مشکلات درهم‌تنیده‌ای مواجه بودند. نیاز مبرم کشورهای نوظهور به رشد و ترقی از یک سو و منازعه دو بلوک شرق و غرب از سوی دیگر، اندیشمندان و

^۱. Petrovic & Radukic (2020)

نظریه‌پردازان مختلف را بسیج کرد تا به حل مسائل توسعه‌نیافتگی این کشورها پردازند. در آن زمان، اقتصاددانان کشورهای صنعتی هیچ ابزار فکری برای تحلیل فرآیند رشد کشورهای عقب‌افتاده نداشتند اما به دو تجربه موفق رجوع نمودند. تجربه اول، تزریق هنگفت سرمایه به کشورهای آسیب‌دیده اروپایی از جنگ در قالب طرح مارشال^۱ و تجربه دوم مربوط به تجربه تاریخی کشورهای صنعتی در تبدیل نظام اقتصادی خود از جوامع کشاورزی معیشتی و فقیر به غول‌های صنعتی پیشرفته بود. هر دوی این تجربیات بر نقش محوری انباشت سرمایه تأکید داشتند و چنان قانع‌کننده بود که صاحب‌نظران و سیاستمداران نتوانستند در برابر آن مقاومت کنند (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۱۱۹). بنابراین در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ معنا و مفهوم توسعه تا سطح رشد اقتصادی سریع تخفیف یافت. نظریه رستو^۲ در سال ۱۹۶۰ با عنوان مراحل رشد اقتصادی که توسعه را در گرو طی مراحل پنجگانه تکاملی در نظام سرمایه‌داری می‌دانست، نمونه‌ای پرنفوذ از این شاخه فکری است. طبق این نظریه تنها سرمایه‌داران یا کارآفرینان نقش حیاتی در انباشت سرمایه دارند. تقویت طبقه سرمایه‌دار با منابع کمیاب برای سودآوری بیشتر و انباشت سرمایه مولد از اهداف اصلی است (هانت^۳، ۱۹۸۹).

شاخص‌های اقتصاد کلان بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته در دوران پیروی از نظریات رشد خطی گویای آن است که تجهیز پس‌اندازهای داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری، آهنگ رشد این کشورها را نسبت به قبل سرعت بخشیده است (تین‌برگن^۴، ۱۹۸۴: ۶۷-۶۶). اگرچه این روند دوام چندانی در آینده نداشته است. همراه با رشد نسبتاً سریع اقتصادی به تدریج عدم توازن‌های منطقه‌ای به شکلی حاد در کشورهای در حال توسعه آشکار شد. تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که در آن بسیاری از کشورهای در حال توسعه به اهداف خود در زمینه رشد اقتصادی دست یافتند اما کیفیت زندگی توده‌های مردم در غالب موارد بدون تغییر باقی ماند، نشان داد که باید چیزی در آن تعریف کوتاه‌نگرانه توسعه اشتباه باشد (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۲۸).

نظریه‌پردازان رشد اقتصادی به توجیه توسعه نامتوازن به وجود آمده پرداختند. به عقیده آنان عدم توازن‌های موجود تنها مرحله‌گذاری به سوی تعادل نهایی است. فلسفه اقتصاد نئوکلاسیک که اساس نظریه‌های فوق را تشکیل می‌دهد، بین کارایی تولید و عدالت توزیع تمایز قایل است و از

1. Marshal plan

2. Rostow

3. Hunt (2019)

4. Tinbergen (1984)

میان‌انگیزه‌های اقتصادی اولویت را با کارآیی دانسته تا تولید و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری توسط کارآفرینان را تشویق کند. منافع حاصل شده نهایتاً به نفع همه خواهد بود و در این رابطه از اصطلاح رخنه به پایین^۱ استفاده شده است (صرافی، ۲۰۰۰: ۲۴). در این بین، لوئیس^۲، نرکس^۳ و شولتز^۴ از جمله اقتصاددانانی بودند که تلاش کردند تا آن‌چه را که رخ داده است تبیین نمایند. روزنشتاین - رودن^۵ نیز بر ضرورت سرمایه‌گذاری متمرکز تأکید داشته است (هانت، ۱۹۸۹). اقتصاددان‌هایی همچون بوئک^۶، هیگینز^۷ و کوزنتس^۸ توسعه دوگانه‌ای را در کشورهای جنوب تبیین نمودند که بخش نوین (مدرن) محدودی عمدتاً حول شهر و صنعت و اقتصاد سرمایه‌داری در کنار بخش سنتی و وسیعی عمدتاً حول روستا و کشاورزی و اقتصاد معیشتی وجود داشته و تداوم می‌یابد (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴). ایده کوزنتس این است که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، تمرکز درآمد در دست افراد ثروتمند از انباشت سرمایه و رشد اقتصادی حمایت می‌کند. اما در سطوح بالاتری از درآمد سرانه، کل جامعه شروع به بهره‌مندی از «کیک» بزرگتر می‌کند. به عبارتی، اول رشد، سپس به اشتراک‌گذاری. در پایان، رشد اقتصادی به نفع همه اقشار مردم است (واگی^۹، ۲۰۱۸: ۶۱). میردال^{۱۰} اقتصاددان از علیت انباشتی و دورانی^{۱۱} به عنوان علت تشدید اختلافات منطقه‌ای نام می‌برد (هانت، ۱۹۸۹). البته میردال از اثرات پخش نیز که مشابه رخنه به پایین است سخن به میان آورد.

محوریت رشد اقتصادی در دهه ۱۹۷۰ مورد تردید جدی قرار گرفت. سیرز^{۱۲}، رشد اقتصادی را برای تعریف توسعه ناکافی دانسته و چند پرسش اساسی در رابطه با مفهوم توسعه مطرح کرد. به عقیده وی در رابطه با وضعیت توسعه هر کشوری باید به سه مؤلفه اصلی شامل فقر، بیکاری و نابرابری توجه شود. اگر وضعیت یک یا دو مورد از معضلات گفته شده بدتر شده باشد حتی با وجود افزایش دو برابری درآمد سرانه، نمی‌توان آن را توسعه نامید (سیرز، ۱۹۶۹).

1. Trickle Down

2. Lewis

3. Nurkse

4. Shultz

5. Rosenstein- Rodan

6. Boeke

7. Higgins

8. Kuznets

9. Vaggi (2018)

10. Myrdal

11. Circular, Cumulative Causation

12. Seers

در تقابل با نظریات رشد خطی که نابرابری را جزئی از فرآیند گذار به توسعه می‌داند، شاخه فکری وابستگی مانع اساسی توسعه را مناسبات نابرابر بین کشورهای مرکز و پیرامون معرفی می‌کند. این دیدگاه هم بر فاصله توسعه نیافتگی بین کشورها و هم بر دویارگی فضائی بین نواحی مرکزی و پیرامونی درون کشورهای توسعه نیافته تمرکز داشت (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۱۳۱). چنری^۱ نیز از جمله نظریه پردازانی است که به بازتوزیع درآمد و عدالت در کنار توجه به رشد، اهمیت داده است. تودارو^۲، بر سه ارزش محوری شامل معاش (توانایی برآورده ساختن نیازهای اساسی)، عزت نفس (به حساب آمدن)، رهایی از بندگی (توانایی انتخاب کردن) برای توضیح مفهوم توسعه تأکید کرده است (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۳۴). سن^۳ پیشنهاد کرد توسعه باید از طریق فرصت‌های در دسترس مردم و آزادی انتخاب آن‌ها اندازه‌گیری شود (آلکی‌ره و همکاران^۴، ۲۰۱۵: ۲۳).

به موازات شدت گرفتن نارضایتی‌ها از نابرابری‌های به وجود آمده ناشی از کاربرد نظریات خطی رشد، مطالعات منطقه‌ای از جمله مباحث توازن منطقه‌ای مورد توجه ویژه قرار گرفت. امروز معنای توازن منطقه‌ای در حقیقت به معنای برخورداری مناطق از فرصت‌های مساوی برای برطرف کردن ضعف‌های جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی در جهت دستیابی به تمامی استعدادهای بالقوه منطقه‌ای است (زیاری، ۲۰۱۷: ۶۷).

کمی کردن مفاهیم اقتصادی از جمله توسعه همواره پرکاربرد و بسیار پرطرفدار بوده است. از طرفی بررسی‌های منطقه‌ای به منظور برنامه‌ریزی برای کاهش عدم توازن‌های موجود نیازمند اندازه‌گیری و سنجش درجه توسعه‌یافتگی مناطق مختلف است. متداول‌ترین راه برای مشخص کردن دنیای در حال توسعه و ارزیابی میزان توسعه توسل به درآمد سرانه است. شناخته شده‌ترین چارچوب در این روش، مربوط به بانک جهانی است. معمولاً درآمد و تولید ناخالص داخلی را به جای نرخ‌های ارز با ضرایب تبدیل برابری قدرت خرید^۵ تعدیل می‌کنند (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۵۳). اما این نوع شاخص‌ها چون تک بعدی هستند و بسیاری از جنبه‌های غیر درآمدی مربوط به سطح رفاه و توسعه را در نظر نمی‌گیرند، نمایان‌گر خوبی برای تعیین وضعیت موجود مناطق نیستند. برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق، روش‌های متعدد دیگری از جمله شاخص ترکیبی

1. Chenery

2. Todaro

3. Sen

4. Alkire (2015)

5. Purchasing Power Parity

توسعه انسانی، تاکسونومی عددی، امتیازات استاندارد شده و غیره وجود دارد (زیاری، ۲۰۱۷: ۸۸). شاخص توسعه انسانی^۱ که توسط UNDP به صورت سالانه انجام می‌گیرد، یک معیار کل‌گرایانه و ترکیبی برای سنجش توسعه است. این شاخص با مقیاس صفر (کمترین توسعه انسانی) تا یک (بیشترین توسعه انسانی) بر اساس سه هدف یا دستاورد نهایی توسعه طراحی شده است: عمر طولانی که با امید به زندگی در هنگام تولد سنجیده می‌شود. دانش که با متوسط وزنی سواد بزرگسالان (دو سوم) و متوسط سال‌های حضور در دبستان (یک سوم) سنجیده می‌شود و کیفیت زندگی که با درآمد سرانه ناخالص حقیقی تعدیل شده با برابری قدرت خرید هر کشور محک می‌خورد تا هزینه‌های زندگی و فرض مطلوبیت نهایی نزولی درآمد در آن به حساب آمده باشد (تودارو و اسمیت، ۲۰۱۴: ۶۲).

آنالیز تاکسونومی در سال ۱۹۶۸ میلادی به عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و ارزیابی درجه توسعه‌یافتگی بین ملل مختلف در یونسکو مطرح شد. روشی است که یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده و یک مقیاس قابل قبول برای بررسی میزان توسعه‌یافتگی نواحی در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد (زیاری، ۲۰۱۷: ۹۲-۹۱). تاپسیس روش پذیرفته شده دیگری است که برای مطالعات منطقه‌ای در رابطه با توسعه اقتصادی-اجتماعی و کیفیت زندگی مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است (دای و جانجی^۲، ۲۰۱۱؛ فانی و همکاران^۳، ۲۰۱۴؛ پتروویچ و رادوکیچ^۴، ۲۰۲۰؛ کریمی و همکاران^۴، ۲۰۲۰؛ کورونیکوا هوراجووا و حاجدووا^۵، ۲۰۲۱؛ و کیلی‌پور و همکاران^۶، ۲۰۲۱). برخی از مطالعات در یک بررسی تطبیقی از دو روش تاپسیس و تاکسونومی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های خراسان جنوبی استفاده کردند (غیاثوند و معزی‌فر، ۲۰۱۰؛ سلیمی‌فر و همکاران، ۲۰۱۰). ایمانی (۲۰۱۸) با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، به سنجش سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان اردبیل پرداخت. بر اساس نتایج دهستان‌های شهرستان از لحاظ شاخص‌های توسعه در وضعیت متعادل قرار ندارند. سجادیان و اکرامی (۲۰۱۸) با روش تاپسیس به ارزیابی میزان برخورداری استان‌های مرزی کشور از شاخص‌های توسعه پرداختند. ظریفیان و لطیفی (۲۰۱۸) همین دو روش را برای

1. Human Development Index (HDI)

2. Dai & Zhang (2011)

3. Fanni (2014)

4. Karimi (2020)

5. Coronicova Hurajova & Hajduova (2021)

6. Vakilipour (2021)

سنجش سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان همدان به کار گرفتند. مولائی هاشجین و علینقی‌پور (۲۰۲۰) سطح توسعه‌یافتگی بخش‌های مختلف استان گیلان را از روش‌های تاپسیس، تاکسونومی و تحلیل سلسله‌مراتبی محاسبه کردند. حیدرپور و همکاران (۲۰۱۹) وضعیت روستاهای شهرستان اسلامشهر را از منظر چالش‌های توسعه روستایی بررسی کردند. مصیب‌زاده و همکاران (۲۰۲۲) نابرابری‌های فضایی و وضعیت توسعه منطقه‌ای استان‌های ایران را با روش تاپسیس مورد تحلیل و رتبه‌بندی قرار دادند. در مطالعات دیگری ارزیابی و بهبود عملکرد منابع انسانی صنایع مس شهید باهنر کرمان (شیشه‌بری و فرحبخش، ۲۰۲۱) و تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری (زیاری و همکاران، ۲۰۲۲) با استفاده از روش تاپسیس بررسی شده است. نوری و همکاران (۲۰۲۲) نیز از روش تاپسیس برای رتبه‌بندی نواحی منطقه ۱۳ بر اساس شاخص‌های شهر سبز استفاده کردند.

۳- بررسی اجمالی اقتصاد افغانستان

چهار دهه جنگ در افغانستان، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و طرز زندگی مردم شهری و روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. اقتصاد افغانستان در اثر جنگ‌های اخیر ضربات شدیدی را متحمل شده است و در شرایط کنونی در حال گذار می‌باشد. اقتصاد این کشور به صورت مختلط و ترکیبی از دولتی و خصوصی هدایت می‌شود. ۷۰ درصد جمعیت کشور افغانستان در روستاها سکونت دارند و میزان فقر در روستاها ۶۱ درصد می‌باشد (اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان^۱، ۲۰۲۰). روستاها به عنوان قطب کشاورزی و دامداری در افغانستان شناخته شده است و اقتصاد این کشور متکی بر کشاورزی است. همچنین کشاورزی ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد و آن را در صدر اقتصاد ملی افغانستان قرار می‌دهد. در بخش کشاورزی حدود ۴۰ درصد از نیروی کار کشور، استخدام و حدود ۸۰ درصد از جمعیت این کشور را تامین می‌کند (استراتژی افغانستان مولد^۲، ۲۰۱۹).

افغانستان دارای منابع طبیعی فراوانی است. این کشور دارای ۱۳۵۰۰۰۰ هکتار جنگل است (اطلاعات و داده‌های جنگل‌های افغانستان^۳، ۲۰۱۰). منابع طبیعی مانند گاز طبیعی، نفت، ذغال سنگ، طلا، مس، کرومیت، سنگ مرمر و انواع سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی نیز موارد دیگری از این دست است. بر پایه نظر سنجی به عمل آمده از متخصصین زمین‌شناسی امریکایی در سال

1. National Statistics and Information Authority (NSIA) (2020)

2. Productive Afghanistan Strategy -Dari Version (2019)

3. Afghanistan Forest Information and Data (2010)

۲۰۰۶، افغانستان به طور تقریبی دارای ۲۶ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و در حدود ۳/۶ تریلیون بشکه ذخایر نفت و میعانات می‌باشد. معدن سنگ آهن حاجیگک که در ۱۳۰ مایلی شهر کابل قرار دارد در حدود ۱/۸ تا ۲ میلیارد متریک ماده معدنی برای ساخت فولاد را در خود جای داده است (Mc Clatehy News, 2010). علیرغم دارا بودن منابع قابل توجه که به آن اشاره شد، افغانستان کشوری فقیر با درآمد سرانه ناچیز است. بر اساس آمار منتشر شده توسط بانک جهانی تولید ناخالص داخلی سرانه افغانستان در سال ۲۰۲۰ معادل ۲۰۷۸ دلار بوده است. شکاف میان تولید ناخالص داخلی افغانستان با سایرین به طور قابل توجهی در حال افزایش است. تولید ناخالص داخلی سرانه کره جنوبی، کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و کشورهای با درآمد بالا تقریباً ۲۰ برابر افغانستان است. این شکاف در رابطه با کشوری همچون سنگاپور تا ۴۷ برابر رسیده است. نکته قابل توجه این است که شکاف درآمدی افغانستان با کشورهای با درآمد متوسط نیز محسوس است (بانک جهانی^۱، ۲۰۲۱). بر اساس آخرین گزارش منتشر شده توسط UNDP شاخص توسعه انسانی کشور افغانستان معادل ۰/۵۱۱ بوده و در رتبه ۱۶۹ در بین ۱۸۹ کشور قرار گرفته است (برنامه توسعه ملل متحد^۲، ۲۰۲۲).

اقلام صادراتی افغانستان را محصولات کشاورزی، سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، صنایع دستی، نباتات طی، پوست، روده تشکیل می‌دهد که به کشور آمریکا، هند، پاکستان و فرانسه صادر می‌گردد. در زمینه کالاهای اساسی به ویژه در بخش تولید، این کشور به شدت به واردات وابسته است. افغانستان به طور تقریبی دارای ۶۵ میلیون هکتار زمین است و تنها حدود ۱۲ درصد آن (معادل ۸ میلیون هکتار) را زمین‌های کشاورزی تشکیل می‌دهد. با این حال، اقتصاد این کشور متکی به بخش کشاورزی است. بخش کشاورزی حدود ۲۷ درصد تولید این کشور را عهده‌دار است (بانک جهانی، ۲۰۲۱).

۴- روش تحقیق

این مطالعه، ابزار روش شناختی جدیدی را برای نظارت بر روند توسعه در مناطق مختلف کشور افغانستان فراهم می‌کند. چنانچه به طور خاص، بررسی اختلاف سطح توسعه‌یافتگی بین ۳۴ ولایت افغانستان در مقاله حاضر با استفاده از یک رویکرد سه مرحله‌ای شامل انتخاب شاخص‌های توسعه، محاسبه درجه توسعه‌یافتگی ولایات و تجزیه و تحلیل تغییرات منطقه‌ای صورت می‌گیرد. برای

1. Worldbank (2021)

2. United Nations Development Programme (UNDP)

شناخت سطح توسعه‌یافتگی و برابری فضایی آن‌ها از تکنیک تاپسیس که یکی از روش‌های رتبه‌بندی است، استفاده شد. داده‌های مرتبط با شاخص‌ها از آمار بانک جهانی، سازمان ملل متحد و اداره مرکزی احصائیه و معلومات افغانستان جمع‌آوری شد.

تاپسیس یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاری است که اولین بار توسط یون و هوانگ^۱ معرفی شد (لاتوسزینسکا^۲، ۲۰۱۴؛ دینگ^۳ و همکاران^۴، ۲۰۱۶). روش تاپسیس ابزاری قدرتمند و عملی برای انتخاب و رتبه‌بندی آلترناتیوهای مختلف می‌باشد. این تکنیک به عنوان یکی از روش‌های تحلیلی تصمیم‌گیری چند معیاره به شمار می‌آید (دیمووا و همکاران^۵، ۲۰۱۳: ۴۸۴۴). تاپسیس با استفاده از این اصل که گزینه‌های انتخاب شده باید کوتاه‌ترین فاصله را از راه‌حل ایده‌آل مثبت و دورترین فاصله را از راه‌حل ایده‌آل منفی از یک نقطه هندسی با استفاده از فاصله اقلیدسی برای تعیین نزدیکی نسبی یک جایگزین به راه‌حل بهینه داشته باشند، تعریف شده است (دینگ^۶ و همکاران^۷، ۲۰۱۶). این روش به طور گسترده برای تکمیل تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. این امر به دلیل ساده بودن، درک آسان، محاسبات کارآمد و توانایی اندازه‌گیری عملکرد نسبی تصمیمات جایگزین است (لاتوسزینسکا^۸، ۲۰۱۴). در این روش، m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اساس این تکنیک بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد (وانگ^۹، لی و لین^{۱۰}، ۲۰۰۳: ۳۷۰). استفاده از روش تاپسیس در شناخت سطح توسعه‌یافتگی مناطق و رتبه‌بندی آن‌ها دارای مزایایی بدین شرح است:

- ۱) در این روش معیارهای کمی و کیفی در ارزیابی به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند. (۲)
- روش تاپسیس سریع قابل اجرا است. (۳) تعداد قابل توجهی از معیارها در نظر گرفته می‌شوند. (۴)
- مطلوبیت شاخص‌های مورد مطالعه در حل مسأله به‌طور افزایشی یا کاهششی قابل اعمال است. (۵)
- اطلاعات ورودی قابل تغییر بوده و باید نحوه پاسخ‌گویی سیستم را بر اساس این تغییر بررسی نمود.
- ۶) خروجی‌ها می‌تواند به صورت کمی باشد (وانگ^۹، لی و لین^{۱۰}، ۲۰۰۳: ۳۷۰). برای تصمیم‌گیری

1. Hwang & Yoon

2. Latuszynska (2014)

3. Ding (2016)

4. Dymova (2013)

5. Ding (2016)

6. Latuszynska (2014)

7. Wang, Lee and Lin (2003)

8. Wang, Lee and Lin (2003)

و حل مسأله توسط روش تاپسیس این مراحل قابل اجرا است:

تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس m شاخص یا معیار و n گزینه: اولین قدم در این روش، تشکیل ماتریس تصمیم است که شامل یکسری معیار و گزینه می‌باشد. ماتریسی که در آن، معیارها در ستون‌ها قرار می‌گیرند و گزینه‌ها در سطرها می‌باشند. بعد از این که ماتریس تصمیم تشکیل شد، توسط نظرات خبرگان تکمیل می‌شود (اصغرپور، ۲۰۱۸: ۲۶۶).

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & a_{mn} \end{bmatrix} \quad (1)$$

تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به یک ماتریس بی‌مقیاس: در گام دوم استانداردسازی داده‌ها و تشکیل ماتریس انجام می‌شود. زیرا هر یک از شاخص‌های کمی دارای مقیاس اندازه‌گیری خاص خود می‌باشند که این کار مقایسه مقادیر آن‌ها با یکدیگر را غیر ممکن می‌سازد. بنابراین باید به طریقی آن‌ها را مستقل از واحد اندازه‌گیری کرد تا بتوان عمل مقایسه را انجام داد. در این نوع بی‌مقیاس‌سازی هر عنصر ماتریس تصمیم‌گیری بر مجذور مجموع مربعات عناصر هر ستون تقسیم می‌شود (زاوادسکاس و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۶۴۶).

$$R_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ r_{m1} & r_{m2} & \dots & r_{mn} \end{bmatrix}, R_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m a_{ij}^2}} \quad (2)$$

تعیین وزن شاخص‌ها: در گام سوم تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها (w_i) و تشکیل ماتریس موزون ($W (n \times n)$) صورت می‌گیرد (مؤمنی، ۲۰۱۹: ۲۴).

$$w_i = \frac{r_i}{\sum_{i=1}^n r_i}, \quad \sum_{i=1}^n w_i = 1 \quad (3)$$

محاسبه ماتریس بی‌مقیاس موزون: در گام چهارم تشکیل ماتریس بی‌مقیاس موزون (V_{ij}) از طریق رابطه (۴) به صورت زیر است:

$$V_{ij} = R_{ij} \cdot W_{n \times m} \quad , \quad V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix} \quad (۴)$$

تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی: در این مرحله دقت شود که بهترین مقادیر برای شاخص‌های مثبت، بزرگ‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی، کوچک‌ترین مقادیر است. بدترین مقادیر برای شاخص‌های مثبت، کوچک‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی بزرگ‌ترین مقادیر است. تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت A^+ (بالا‌ترین عملکرد در هر شاخص) و راه‌حل ایده‌آل منفی A^- (پایین‌ترین عملکرد در هر شاخص) به ترتیب رابطه‌های (۵) و (۶) است (بالسرزاک و پیترزاک^۱، ۲۰۱۶: ۱۰).

$$A^+ = \{(max V_{ij} | j \in J), (\min V_{ij} | j \in J) \mid i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_j^+, \dots, V_n^+\} \quad (۵)$$

$$A^- = \{(max V_{ij} | j \in J), (\min V_{ij} | j \in J) \mid i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^-\} \quad (۶)$$

محاسبه میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی: در گام ششم برای به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی باید فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایده‌آل مثبت d_i^+ و فاصله هر گزینه تا ایده‌آل منفی d_i^- از طریق روابط (۷) و (۸) محاسبه گردد.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2} \quad j = 1, 2, \dots, J \quad (۷)$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad j = 1, 2, \dots, J \quad (۸)$$

تعیین نزدیکی نسبی: گام هفتم تعیین ضریب نزدیکی نسبی C_i برای حل ایده‌آل از طریق رابطه (۹) قابل محاسبه است که در آن فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایده‌آل مثبت d_i^+ و فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایده‌آل منفی d_i^- می‌باشد (مؤمنی، ۲۰۱۹: ۲۵).

$$CC_i = \frac{d_i^-}{d_i^+ + d_i^-} \quad (۹)$$

تعیین اولویت گزینه‌ها: گام هشتم رتبه‌بندی آلترناتیوها بر اساس میزان C_i که این میزان بین صفر و یک در نوسان است. $C_i = 1$ نشان دهنده بالاترین رتبه و $C = 0$ کمترین رتبه را نشان

^۱. Balcerzak and Pietrzak (2016)

می‌دهد.

بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم (نرمال‌سازی ماتریس تصمیم): این مرحله به این صورت انجام می‌شود که هر درایه بر جذر مجموع مربعات درایه‌های آن ستون معیار، تقسیم می‌شود (اصغرپور، ۲۰۱۸: ۲۶۸) که در رابطه (۱۰) نشان داده شده است. در این رابطه X_{ij} مقدار عددی گزینه i ام در سنجش با معیار j ام می‌باشد ($i=1$ تا m و $j=1$ تا n).

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}} \quad (10)$$

تعیین ماتریس بی‌مقیاس وزن‌دار: در این مرحله باید وزن معیارها که از روش‌های دیگر به دست آمده است در ماتریس نرمال ضرب شود تا ماتریس وزن‌دار به دست آید (زاوادسکاس و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۶۴۷).

یافتن حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل: نوع معیارها، این که جنبه مثبت دارند یا منفی باید مشخص شود. افزایش معیارهای مثبت باعث بهبود در سیستم می‌گردد. مثل کیفیت این معیار از نوع مثبت است و حل ایده‌آل آن برابر با بزرگ‌ترین درایه ستون معیار و ضد ایده‌آل برابر با کوچک‌ترین درایه سلول. برای معیار منفی برعکس می‌باشد.

محاسبه فاصله از حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل: در این مرحله بر اساس رابطه زیر فاصله هر گزینه از ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی محاسبه می‌شود (بالسرزاک و پیترزاک^۲، ۲۰۱۶: ۱۲).

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- سطح توسعه یافتگی ولایات افغانستان در سال ۱۳۹۴

مطابق نتایج بدست آمده از روش تاپسیس در جدول (۲) بالاترین میزان توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۴ (توسعه‌یافته‌ترین ولایت) متعلق به ولایت کابل و پایین‌ترین درجه توسعه‌یافتگی (محروم‌ترین) به ترتیب متعلق به ولایت کاپیسا و ولایت نورستان است. پس از کابل، ولایات هرات، ننگرهار، نیمروز به ترتیب با مقادیر ۰/۳۳۶۶، ۰/۲۹۳۸ و ۰/۲۵۵۷ دارای بالاترین سطح توسعه‌یافتگی بوده‌اند. همچنین ولایات نورستان، ارزگان و زابل به ترتیب با مقادیر ۰/۱۹۵۱، ۰/۱۹۵۲ و ۰/۱۹۵۳ بالاتر از ولایت کاپیسا در زمره کمتر توسعه‌یافته‌ترین ولایات افغانستان در سال

1. Zavadskas (2016)

2. Balcerzak and Pietrzak (2016)

۱۳۹۴ قرار گرفته‌اند.

جدول ۲: رتبه‌بندی ولایات مختلف کشور افغانستان بر اساس سطح توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۴

رتبه	ولایت	مقادیر	رتبه	ولایت	مقادیر
۱	کابل	۱	۱۸	پروان	۰/۱۹۶۵۰۳۱
۲	هرات	۰/۳۳۶۶۸۸۱	۱۹	جوزجان	۰/۱۹۶۴۳۰۹
۳	ننګرهار	۰/۲۹۳۸۳۷۷	۲۰	کنړها	۰/۱۹۶۲۰۶۲
۴	نیمروز	۰/۲۵۵۷۷۶۸	۲۱	میدان وردک	۰/۱۹۶۱۲۱۳
۵	بلخ	۰/۲۴۷۳۰۵۳	۲۲	لغمان	۰/۱۹۵۹۹۶۴
۶	کندهار	۰/۲۲۶۹۲۸۳	۲۳	لوګر	۰/۱۹۵۹۱۴۷
۷	فراه	۰/۲۲۱۴۴۲۸	۲۴	سمنگان	۰/۱۹۵۷۲۱۸
۸	فاریاب	۰/۲۰۴۸۴۳۱	۲۵	غور	۰/۱۹۵۶۸۱۱
۹	پکتیا	۰/۲۰۳۶۴۲	۲۶	سرپل	۰/۱۹۵۶۶۹۹
۱۰	خوست	۰/۱۹۹۲۸۴۴	۲۷	بامیان	۰/۱۹۵۶۴۸۱
۱۱	کندز	۰/۱۹۹۰۸۸۷	۲۸	بادغیس	۰/۱۹۵۵۵۸۴
۱۲	هلمند	۰/۱۹۸۳۰۶۳	۲۹	دایکندي	۰/۱۹۵۴۳۴۶
۱۳	غزنی	۰/۱۹۷۱۳۸۷	۳۰	پنجشیر	۰/۱۹۵۳۹۰۲
۱۴	پکتیکا	۰/۱۹۷۰۵۱	۳۱	زابل	۰/۱۹۵۳۴۲۶
۱۵	تخار	۰/۱۹۶۹۲۲۳	۳۲	ارزگان	۰/۱۹۵۲۶۱۴
۱۶	بغلان	۰/۱۹۶۷۹۳	۳۳	نورستان	۰/۱۹۵۱۸۲۷
۱۷	بدخشان	۰/۱۹۶۶۲۴۲	۳۴	کاپیسا	۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۳) می‌توان مشاهده نمود، میانگین و انحراف معیار درجه توسعه‌یافتگی ۳۴ ولایت کشور افغانستان در سال ۱۳۹۴ به ترتیب برابر با ۰/۲۳ و ۰/۰۵ است. بنابراین چنان‌چه فرض کنیم توزیع سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان از توزیع نرمال استاندارد پیروی نماید، ولایت‌هایی که سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها بالاتر از میانگین به علاوه یک انحراف معیار بوده در گروه ولایات پیشرفته و ولایت‌هایی که سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها از میانگین منهای یک انحراف معیار کمتر باشد در گروه ولایت‌های کمتر توسعه‌یافته و بقیه در گروه ولایات در حال توسعه جای می‌گیرند. بر همین اساس، ولایت کابل در سال ۱۳۹۴ از جمله ولایات توسعه‌یافته افغانستان بوده و ولایت کاپیسا جزء ولایات کمتر توسعه‌یافته به شمار می‌رود. سایر ولایات این کشور در سال ۱۳۹۴ جزء ولایات در حال توسعه محسوب می‌شوند.

جدول ۳: میانگین و میانگین انحراف معیار سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در سال ۱۳۹۴

سال	میانگین	میانگین درجه توسعه‌یافتگی	میانگین انحراف معیار درجه توسعه‌یافتگی
۱۳۹۴		۰/۲۲۶۵۸	۰/۵۳۵۸۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۲- سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در سال ۱۳۹۸

مطابق نتایج به دست آمده در جدول (۴) بالاترین سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در سال ۱۳۹۸ (توسعه‌یافته‌ترین ولایت) متعلق به ولایت کابل با مقدار ۰/۵۲۸۰ و کمترین سطح توسعه‌یافتگی (محروم‌ترین ولایت) به ولایت پنجشیر با مقدار ۰/۰۲۱۳ و ولایت پکتیکا با مقدار ۰/۰۳۱۳ تعلق دارد. ولایات هرات، بلخ، کندهار به ترتیب با مقادیر ۰/۳۷۸۷، ۰/۲۵۳۴ و ۰/۲۳۷۲ و با فاصله بسیار از کابل، بالاترین سطح توسعه‌یافتگی را دارند. همچنین ولایات بامیان، نورستان و بادغیس به ترتیب با مقادیر ۰/۰۴۵۴، ۰/۰۵۹۴، ۰/۰۶۱۹ جزء کمتر توسعه‌یافته‌ترین ولایات افغانستان پس از پنجشیر و پکتیکا در سال ۱۳۹۸ بوده‌اند.

جدول ۴: رتبه‌بندی ولایات مختلف کشور افغانستان بر اساس سطح توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۸

رتبه	ولایت	مقدار	رتبه	ولایت	مقدار
۱	کابل	۰/۵۲۸۰۱۳۴	۱۸	بغلان	۰/۰۹۸۵۳۱۶
۲	هرات	۰/۳۷۸۷۱۶۵	۱۹	سمنگان	۰/۰۹۶۵۸۱۳
۳	بلخ	۰/۲۵۳۴۷۰۹	۲۰	فراه	۰/۰۹۶۰۲۲۳
۴	کندهار	۰/۲۳۷۲۳۱۳	۲۱	نیمروز	۰/۰۹۵۸۵۱۳
۵	هلمند	۰/۲۰۷۱۷۹۷	۲۲	بدخشان	۰/۰۹۱۱۱۵۱
۶	ننگرهار	۰/۱۸۱۹۰۶۸	۲۳	فاریاب	۰/۰۸۸۲۶۱۳
۷	پروان	۰/۱۷۵۳۵۶۶	۲۴	سرپل	۰/۰۸۳۷۹۶۲
۸	کندهار	۰/۱۷۳۴۵۰۹	۲۵	لغمان	۰/۰۸۲۶۷۱۴
۹	دایکندي	۰/۱۴۴۹۵۹۶	۲۶	پکتیکا	۰/۰۸۱۶۸۳۳
۱۰	میدان وردک	۰/۱۴۳۵۱۳۹	۲۷	ارزگان	۰/۰۷۴۷۶۰۶
۱۱	لوگر	۰/۱۳۵۹۳۰۲	۲۸	کاپیسا	۰/۰۷۴۶۱۸
۱۲	زابل	۰/۱۲۵۷۰۲۷	۲۹	جوزجان	۰/۰۶۹۴۷۴۲
۱۳	غزنی	۰/۱۲۳۶۱۹۵	۳۰	بادغیس	۰/۰۶۱۹۲۳۶
۱۴	غور	۰/۱۱۵۴۹۸	۳۱	نورستان	۰/۰۵۹۴۳۴۳
۱۵	کندهار	۰/۱۱۲۷۹۶۳	۳۲	بامیان	۰/۰۴۵۴۶۱۶
۱۶	تخار	۰/۱۰۴۶۵۸۶	۳۳	پکتیکا	۰/۰۳۱۳۳۸۳
۱۷	خوست	۰/۰۹۹۱۸۵۱	۳۴	پنجشیر	۰/۰۲۱۳۱۳۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

طبق نتایج به دست آمده در سال ۱۳۹۸، میانگین و انحراف معیار سطح توسعه‌یافتگی ۳۴ ولایت کشور افغانستان به ترتیب برابر با ۰/۱۳ و ۰/۰۳ است (جدول ۵). بنابراین چنانچه فرض شود سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان از توزیع نرمال استاندارد پیروی نماید، ولایت‌هایی که سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها بالاتر از میانگین به علاوه یک انحراف معیار باشد جزء ولایات توسعه‌یافته و ولایت‌هایی که درجه توسعه‌یافتگی آن‌ها از میانگین منهای یک انحراف معیار کمتر باشد جزء ولایت‌های کمتر توسعه‌یافته و بقیه در زمره ولایات در حال توسعه قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج به دست آمده در سال ۱۳۹۸، ولایت کابل تنها ولایت توسعه‌یافته کشور افغانستان است. ولایات پنجشیر جزء کمتر توسعه‌یافته‌ها قرار گرفته و سایر ولایات در حال توسعه محسوب می‌شوند.

جدول ۵: میانگین و میانگین انحراف معیار سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در سال ۱۳۹۸

سال	میانگین	میانگین درجه توسعه‌یافتگی	میانگین انحراف معیار درجه توسعه‌یافتگی
۱۳۹۸		۰/۱۳۲۱۷۹	۰/۰۲۷۹۰۹۱۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۳- تغییرات سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان طی دو مقطع ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸

همچنان که در جداول (۶) و (۷) نشان داده شده است، سطح توسعه‌یافتگی هفت ولایت افغانستان در سال ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۴ بهبود یافته است. اگر چه بالاترین سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ (پیشرفته‌ترین ولایات) متعلق به کابل است، با این حال، سطح توسعه‌یافتگی این ولایت در سال ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۴ به میزان ۰/۴۳ واحد کاهش یافته است. همچنین، پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی در دو مقطع ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ (محروم‌ترین ولایت) متعلق به ولایات کاپیسا و پنجشیر است. سطح توسعه‌یافتگی ولایات کاپیسا و پنجشیر حدود ۰/۰۷ و ۰/۱۷ واحد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ کاهش داشته است. مطابق نتایج به دست آمده بالاترین میزان بهبود در سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان متعلق به ولایات بامیان (۰/۲۴ واحد)، ارزگان (۰/۱۲ واحد)، کاپیسا (۰/۰۷ واحد)، هرات (۰/۰۴ واحد) و ولایت بلخ (۰/۰۱ واحد) بوده است. همچنین پایین‌ترین میزان بهبود در سطح توسعه‌یافتگی متعلق به ولایت کابل (با ۰/۴۷ واحد کاهش) می‌باشد.

جدول ۶: تغییرات سطح توسعه‌یافتگی ولایات کشور افغانستان طی دو مقطع ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸

ردیف	ولایت	سطح توسعه در سال		افزایش / کاهش (%)
		۱۳۹۸	۱۳۹۴	
۱	ارزگان	۰/۰۷۴۷۶۰۶	۰/۱۹۵۲۶۱۴	-۰/۱۲
۲	بادغیس	۰/۰۶۱۹۲۳۶	۰/۱۹۵۵۵۸۴	-۰/۱۳
۳	بامیان	۰/۰۴۵۴۶۱۶	۰/۱۹۵۶۴۸۱	-۰/۱۵
۴	بدخشان	۰/۰۹۱۱۱۵۱	۰/۱۹۶۶۲۴۲	-۰/۱۱
۵	بغلان	۰/۰۹۸۵۳۱۶	۰/۱۹۶۷۹۳	-۰/۱۰
۶	بلخ	۰/۲۵۳۴۷۰۹	۰/۲۴۷۳۰۵۳	۰/۰۱
۷	پروان	۰/۱۷۵۳۵۶۶	۰/۱۹۶۵۰۳۱	-۰/۰۲
۸	پکتیا	۰/۰۸۱۶۸۳۳	۰/۲۰۳۶۴۲	-۰/۱۲
۹	پکتیکا	۰/۰۳۱۳۳۸۱۳	۰/۱۹۷۰۵۱	-۰/۱۷
۱۰	پنجشیر	۰/۰۲۱۳۱۳۱	۰/۱۹۵۳۹۰۲	-۰/۱۷
۱۱	تخار	۰/۰۴۵۵۸۶	۰/۱۹۶۹۲۲۳	-۰/۰۹
۱۲	جوزجان	۰/۰۶۹۴۷۴۲	۰/۱۹۶۴۳۰۹	-۰/۱۳
۱۳	خوست	۰/۰۹۹۱۸۵۱	۰/۱۹۹۲۸۴۴	-۰/۱۰
۱۴	دایکندی	۰/۱۴۴۹۵۹۶	۰/۱۹۵۴۳۴۶	-۰/۰۵
۱۵	زابل	۰/۱۲۵۷۰۲۷	۰/۱۹۵۳۴۲۶	-۰/۰۷
۱۶	سرپل	۰/۰۸۳۷۹۶۲	۰/۱۹۵۶۶۹۹	-۰/۱۱
۱۷	سمنگان	۰/۰۹۶۵۸۱۳	۰/۱۹۵۷۲۱۸	-۰/۱۰
۱۸	غزنی	۰/۱۲۳۶۱۹۵	۰/۱۹۷۱۳۸۷	-۰/۰۷
۱۹	غور	۰/۱۱۵۴۹۸	۰/۱۹۵۶۸۱۱	-۰/۰۸
۲۰	فاریاب	۰/۰۸۱۲۶۱۳	۰/۲۰۴۸۴۳۱	-۰/۱۲
۲۱	فراه	۰/۰۹۶۰۲۲۳	۰/۲۲۱۴۴۲۸	-۰/۱۳
۲۲	کابل	۰/۵۲۸۰۱۳۴	۱	-۰/۴۷
۲۳	کاپیسا	۰/۰۷۴۶۱۸	۰	۰/۰۷
۲۴	کندهار	۰/۱۷۳۴۵۰۹	۰/۱۹۹۰۸۱۷	-۰/۰۳
۲۵	کندهار	۰/۲۳۷۲۳۱۳	۰/۲۲۶۹۲۸۳	۰/۰۱
۲۶	کونړ	۰/۱۱۲۷۹۶۳	۰/۱۹۶۲۰۶۲	-۰/۰۸
۲۷	لغمان	۰/۰۸۲۶۷۱۴	۰/۱۹۵۹۹۶۴	-۰/۱۱
۲۸	لوگر	۰/۱۳۵۹۳۰۲	۰/۱۹۵۹۱۴۷	-۰/۰۶
۲۹	میدان وردک	۰/۱۴۳۵۱۳۹	۰/۱۹۶۱۲۱۳	-۰/۰۶
۳۰	ننګرهار	۰/۱۸۱۹۰۶۸	۰/۲۹۳۸۳۷۷	-۰/۱۱
۳۱	نورستان	۰/۰۵۹۴۳۴۳	۰/۱۹۵۱۸۲۷	-۰/۱۴
۳۲	نیمروز	۰/۰۹۵۵۵۱۳	۰/۲۵۵۷۷۶۸	-۰/۱۶
۳۳	هرات	۰/۳۷۸۷۱۶۵	۰/۳۳۶۶۸۸۱	۰/۰۴
۳۴	هلمند	۰/۲۰۷۱۷۹۷	۰/۱۹۸۳۰۶۳	۰/۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنان که در جدول (۷) می‌توان مشاهده نمود، ولایات کابل و هرات از منظر سطح توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۴ به ترتیب در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند. این دو ولایت در سال ۱۳۹۸ نیز همچنان موفق به حفظ جایگاه خود شده‌اند. اما جایگاه ولایت پکتیکا از رتبه ۱۴ام به

رتبه ۱۳۳ام سقوط کرده است. رتبه ولایات نیمروز و پکتیا نیز با ۱۷ واحد کاهش به ترتیب از ۴ و ۹ به ۲۱ و ۲۱ رسیده است. در این بین، ولایات دایکنندی و زابل به ترتیب شاهد ۲۰ و ۱۹ واحد بهبود در جایگاه خود از منظر سطح توسعه یافتگی در مقایسه با سایر ولایات افغانستان بوده‌اند.

جدول ۷: رتبه و سطح توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸

بهبود	۱۳۹۸		۱۳۹۴		ولایت
	سطح توسعه‌یافتگی	رتبه	سطح توسعه‌یافتگی	رتبه	
▼	۰/۵۲۸۰۱۳۴	۱	۱	۱	کابل
▲	۰/۳۷۸۷۱۶۵	۲	۰/۳۳۶۶۸۸۱	۲	هرات
▼	۰/۱۸۱۹۰۶۸	۶	۰/۲۹۳۸۱۳۷	۳	ننگرهار
▼	۰/۰۹۵۸۵۱۳	۲۱	۰/۲۵۵۷۷۶۸	۴	نیمروز
▲	۰/۲۵۳۴۷۰۹	۳	۰/۲۴۷۳۰۵۳	۵	بلخ
▲	۰/۲۳۷۲۳۱۳	۴	۰/۲۲۶۹۲۸۳	۶	کندهار
▼	۰/۰۹۶۰۲۲۳	۲۰	۰/۲۲۱۴۴۲۸	۷	فراه
▼	۰/۰۸۸۲۶۱۳	۲۳	۰/۲۰۴۸۴۳۱	۸	فاریاب
▼	۰/۰۸۱۶۸۳۳	۲۶	۰/۲۰۳۶۴۲	۹	پکتیا
▼	۰/۰۹۹۱۸۵۱	۱۷	۰/۱۹۹۲۸۴۴	۱۰	خوست
▼	۰/۱۷۳۴۵۰۹	۸	۰/۱۹۹۰۸۸۷	۱۱	کندهار
▲	۰/۲۵۳۴۷۰۹	۵	۰/۱۹۸۳۰۶۳	۱۲	هلمند
▼	۰/۲۳۷۲۳۱۳	۱۳	۰/۱۹۷۱۳۸۷	۱۳	غزنی
▼	۰/۰۹۶۰۲۲۳	۳۳	۰/۱۹۷۰۵۱	۱۴	پکتیکا
▼	۰/۰۸۸۲۶۱۳	۱۶	۰/۱۹۶۹۲۲۳	۱۵	تخار
▼	۰/۰۸۱۶۸۳۳	۱۸	۰/۱۹۶۷۹۳	۱۶	بغلان
▼	۰/۰۹۹۱۸۵۱	۲۲	۰/۱۹۶۶۲۴۲	۱۷	بدخشان
▼	۰/۱۷۳۴۵۰۹	۷	۰/۱۹۶۵۰۳۱	۱۸	پروان
▼	۰/۲۵۳۴۷۰۹	۲۹	۰/۱۹۶۴۳۰۹	۱۹	جوزجان
▼	۰/۱۱۲۷۹۶۳	۱۵	۰/۱۹۶۲۰۶۲	۲۰	کنرها
▼	۰/۱۴۳۵۱۳۹	۱۰	۰/۱۹۶۱۲۱۳	۲۱	میدان وردک
▼	۰/۰۸۲۶۷۱۴	۲۵	۰/۱۹۵۹۹۶۴	۲۲	لغمان
▼	۰/۱۳۵۹۳۰۲	۱۱	۰/۱۹۵۹۱۴۷	۲۳	لوجر
▼	۰/۰۹۶۵۸۱۳	۱۹	۰/۱۹۵۷۲۱۸	۲۴	سمنگان
▼	۰/۱۱۵۴۹۸	۱۴	۰/۱۹۵۶۸۱۱	۲۵	غور
▼	۰/۰۸۳۷۹۶۲	۲۴	۰/۱۹۵۶۶۹۹	۲۶	سرپل
▼	۰/۰۴۵۴۶۱۶	۳۲	۰/۱۹۵۶۴۸۱	۲۷	بامیان
▼	۰/۰۶۱۹۲۳۶	۳۰	۰/۱۹۵۵۵۸۴	۲۸	بادغیس
▼	۰/۱۴۴۹۵۹۶	۹	۰/۱۹۵۴۳۴۶	۲۹	دایکنندی
▼	۰/۰۲۱۳۱۳۱	۳۴	۰/۱۹۵۳۹۰۲	۳۰	پنجشیر
▼	۰/۱۲۵۷۰۲۷	۱۲	۰/۱۹۵۳۴۲۶	۳۱	زابل
▼	۰/۰۷۴۷۶۰۶	۲۷	۰/۱۹۵۲۶۱۴	۳۲	ارزگان
▼	۰/۰۵۹۴۳۴۳	۳۱	۰/۱۹۵۱۸۲۷	۳۳	نورستان
▲	۰/۰۷۴۶۱۸	۲۸	۰	۳۴	کاپیسا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

لازم به ذکر است در قیاس دو جامعه آماری جامعه‌ای مطلوب‌تر است که دارای میانگین بالاتر و پراکنده‌گی (انحراف معیار) کمتری باشد. بر اساس نتایج جداول (۳) و (۵)، به طور متوسط وضعیت توسعه‌یافتگی ولایات کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ بهتر تلقی نمی‌شود زیرا که میانگین توسعه‌یافتگی ولایات افغانستان در مقطع سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ افزایش نیافته و انحراف معیار توسعه‌یافتگی کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ کاهش نیافته است. اما چنانچه این مقایسه با شاخص دامنه تغییرات انجام گیرد وضعیت کشور نه تنها بهبود نیافته بلکه تا حد قابل توجهی این فاصله بیشتر شده است. علت این امر روشن است چرا که بهبود سطح توسعه‌یافتگی در ولایت‌هایی که در حال توسعه هستند رخ داده است. اما شکاف بین پیشرفته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین ولایات بیشتر شده است.

۶- نتیجه‌گیری

- یکی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار، برابری بین نسل‌ها و درون نسل‌هاست. به دیگر سخن، پایداری روند توسعه، نیازمند بهبود سطح زندگی و رفاه قشرهای فقیر است تا از طریق کاستن فقر شدید و برطرف کردن فقر مطلق شدت نابرابری بین مردم مهار شود و گام به گام کاهش یابد.
- نابرابری از مجراهای گوناگون مانند تخریب سرمایه و انسجام اجتماعی و تضعیف امنیت ملی مانع از ثبات سیاسی انسانی می‌گردد و توسعه نیازمند ثبات سیاسی است. همچنین نابرابری از طریق بازداشتن از تشکیل سرمایه و توسعه انسانی تأثیر منفی جدی بر توسعه کشور دارد و از این منظر نیز مانع از توسعه است. بنابراین یکی از اولین گام‌های حرکت به سمت توسعه پایدار، از بین بردن فقر عمیق و کاهش سطح نابرابری اقتصادی-اجتماعی است.
- در کشورهای دارای تنوع قومی و مذهبی مانند افغانستان، برابری اقتصادی اهمیت بسیار بیشتری می‌یابد زیرا در این گونه کشورها، از یک سو انگیزه‌های نابرابری فرصت‌ها به نفع گروه‌های حاکم افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، نابرابری، به دلیل وجود انگیزه‌های بیرونی مانند اختلاف در قومیت و مذهب، بیشتر امری غیر طبیعی تلقی شده و تفسیر و بازتاب اجتماعی آن به ستم اجتماعی گروه‌های ممتاز و ویژه‌خواری آن‌ها نسبت داده می‌شود. در نتیجه قدرت تخریبی آن بر انسجام اجتماعی جامعه افزایش می‌یابد.
- نتایج به دست آمده حاکی از پراکنش نابرابر توسعه‌یافتگی در افغانستان است. توسعه‌یافته‌ترین ولایت افغانستان (کابل)، فاصله قابل توجهی با سایر ولایات افغانستان از منظر درجه

- توسعه‌یافتگی دارد. عدم توازن موجود در هر دو مقطع زمانی ارزیابی شده قابل اعتناست.
- دسته‌بندی ولایات افغانستان در سه دسته توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته با در نظر گرفتن چند فرض ساده، نشان می‌دهد تنها کابل در دسته توسعه‌یافته‌ها قرار می‌گیرد. البته بایستی توجه شود که اختصاص ولایت کابل به این دسته، صرفاً در قیاس با وضعیت سایر ولایات افغانستان است. درجه توسعه‌یافتگی ولایت کابل در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۴ به طور قابل توجهی کاهش یافته است.
 - اغلب ولایات افغانستان با فاصله اندکی از کمتر توسعه‌یافته‌ها در دسته در حال توسعه جای گرفته‌اند. تغییرات بسیاری از ولایات این دسته نیز مشابه ولایت کابل است و قادر به بهبود شرایطشان یا حفظ جایگاه قبلی خود نبوده‌اند.
 - نتایج نشان می‌دهد میانگین درجه توسعه‌یافتگی بین سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ بهبود نیافته است. علاوه بر این، با بیشتر شدن شکاف میان توسعه‌یافته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین ولایت بر شدت نابرابری و عدم توازن منطقه‌ای افزوده شده است. شرایط نابرابر اولیه نه تنها بهبود نیافته است بلکه رو به وخامت رفته است. به عبارتی، آنچه در مناطق محدودی حاصل شده به پایین رخنه نکرده و صرفاً با دامن زدن به دوپارگی‌های موجود وضعیت مرکز-پیرامون، تشدید شده است.

References

- Afghanistan Forest Information and Data (2010). Mongabay. www.khama.com.
- Alkire, S. Roche, J. M. Ballon, P. Foster, J. Santos, M. E. & Seth, S. (2015). *Multidimensional Poverty Measurement and Analysis*, Oxford University Press, USA.
- Asghari Zadeh, E. L. & Zabihi Jamkhaneh, M. (2013). "The Evaluation and Ranking of Rural Development Level Using Multiple Attributes Decision Making Methods (Case Study: Rural Districts in Sari County)". *Journal of Research and Rural Planning* **3**: 4-27.
- Asgharpour, M. J. (2018). *Multi-Criteria Decision-Making*, Tehran: Tehran University Press.
- Balcerzak, A. P. & Pietrzak, M. B. (2016). "Application of TOPSIS Method for Analysis of Sustainable Development in European Union Countries". *Institute of Economic Research Working Papers* No. 22/2016.
- Chalabi, M. (1996). *Sociology of Order: Description and Theoretical Analysis of Social Order*, Tehran: Nashr-e Ney.
- Coronicova Hurajova, J. & Hajduova, Z. (2021). "Multiple-Criteria Decision Analysis Using TOPSIS and WSA Method for Quality of Life: The Case of Slovakia Regions". *Mathematics* **9**(2440). <https://doi.org/10.3390/math9192440>.
- Dai, X. & Zhang, J. (2011). "The TOPSIS Analysis on Regional Disparity of Economic Development in Zhejiang Province". *Canadian Social Science* **7**(5): 135-139.
- Ding, T. Liang, L. Yang, M. & Wu, H. (2016). "Multiple Attribute Decision Making Based on Cross-Evaluation with Uncertain Decision Parameters". *Mathematical Problems in Engineering* Volume 2016, Article ID 4313247, <http://dx.doi.org/10.1155/2016/4313247>.
- Doyle, M. & Stiglitz, J. (2014). "Eliminating Extreme Inequality: A Sustainable Development Goal, 2015–2030". *Ethics & International Affairs* **28**(1): 5-13.
- Dymova, L. Sevastjanov, P. & Tikhonenko, A. (2013). "A Direct Interval Extension of TOPSIS Method". *Expert Systems with Applications* **40**(12): 4841-4847.
- Fanni, Z. Khakpour, B. A. & Heydari, A. (2014). "Evaluating the Regional Development of Border Cities by TOPSIS Model (Case Study: Sistan and Baluchistan Province, Iran)". *Sustainable Cities and Society* **10**: 80-86.
- Ghaffaryfard, M. (2019). "Review the Process of Development Policy and Regional Balance during Development Plans in Iran (SWOT Approach)". *Strategic Studies of Public Policy* **9**(30): 21-41.
- Ghiasvand, A. & Moezifar, H. (2010). "Comparison of the Methods of Determining the Degree of Development of the Cities of South Khorasan Province". *Financial Economics* **5**(17): 164-188.

- Heydarpour, B. Daniyali, T. & Estelaji, A. (2019). "Investigating and Explaining the Situation of the Villages of Islamshahr City in Terms of Rural Development Challenges". New Perspectives Quarterly in Human Geography **12**(3): 129-148.
- Hunt, D. (1989). *Economic Theories of Development: An Analysis of Competing Paradigms*, Translator: Gholamreza Azad (Aramaki), Tehran: nashreney, 2019.
- Imani, B. (2018). "Assessment of Developmental Levels in Ardabil Villages by Utilizing Multi-Criteria Decision Making Methods". Journal of Studies of Human Settlements Planning **12**(41): 821-836.
- Latuszynska, A. (2014). "Multiple-criteria Decision Analysis using TOPSIS Method for Interval Data in Research into the Level of Information Society Development". Folia Oeconomica Stetinensia **13**(2): 63-76.
- Lotfi, H. (2016). "Political Management Based on the Sustainable Development of Regional Inequalities in the Distribution Space for the Three Provinces of Khorasan". Journal of Greater Khorasan **7**(24): 75-90.
- Mobasher Amini, M. (2018). "Study of Spatial Separation and the Concentration of Poverty in Residential Neighborhoods of 13 District Municipality of District 12". Journal of Social Research **10**(37): 71-85.
- Molaey Hashjin, N. & Alinaghypour, M. (2020). "On the Evaluation of Development Levels by Using Multi-Criteria Decision Making Techniques in the Parts of Guilan Province". Human Geography Research Quarterly **52**(1): 75-87. Doi: 10.22059/jhgr.2018.233904.1007465.
- Momeni, M. (2019). *New Topics of Research in Operations*, Tehran: Nashre Moalef.
- Mosayyebzadeh, A. Mozafari Niya, A. & Shabestar, M. (2022). "Analysis of Spatial Inequalities and Assessing of Regional Development Statuse in The Provinces of Iran". Journal of Geography and Environmental Studies **10**(40): 71-84.
- National Statistics and Information Authority (NSIA). (2020). *Afghanistan Statistical Yearbook 2020*. <https://newsmedia.tasnimnews.com/Tasnim/Uploaded/Document/1400/01/31/140001311234299482260266.pdf>.
- Nouri, A. Pourshikhian, A. Asghari, H. & Shahmari, R. (2022). "Ranking of District 13 areas based on Green City Indicators using Multivariate Decision Models (TOPSIS)". Quarterly of Geography (Regional Planing) **12**(3): 62-83.
- Petrović, J. Radukić, S. & Radović, M. (2020). "A Multicriteria Analysis on Regional Disparity of Economic and Demographic Development in the Republic of Serbia". Economic Themes **58**(3): 327-342.
- Productive Afghanistan Strategy -Dari Version (2019). Ministry of Economy, Afghanistan Commercialization, Industrialization.

- Sajadian, N. & Ekrami, N. (2018). "Assessing the Degree of Development in the Country's Border Provinces Using Development Indicators through Numerical Taxonomy and TOPSIS Models". *Amayesh Journal* **11**(41): 47-70.
- Salimifar, M. Nourouzi, R. A. & Motahari, M. A. (2010). "Measuring Industrial and Regional Development of Razavi, Southern and Northern Khorasan Provinces". *Economic Research* **9**(4): 175- 196.
- Sarafi, M. (2000). *Basics of Regional Development Planning. Regional Planning and Planning Office*, Tehran: Publications of the Organization of Management and Planning of the Country, Second Edition.
- Seers, D. (1969). "The Meaning of Development". IDS Communication 44. Brighton: Institute of Development Studies.
- Shishebori, D. & Farahbakhsh, E. (2021). "Integrated Approach of Fuzzy Hierarchical Analysis and TOPSIS in the Organizational Excellence Model with the Aim of Emphasizing and Improving the Performance of Human Resources (Case Study: Shahid Bahonar Copper Industries, Kerman)". *Journal of Fuzzy Systems and Applications* **4**(1): 189-199. DOI: 10.22034/JFSA.2021.140198.
- Tinbergen, J. (1984). *Central Planning*, Translator: Ahmed Azimi Bolourian, Planning and Budget Organization. Tehran: Center for Economic-Social Documents.
- Todaro, Michael P. & Smith, Stephen C. (2014). *Economic development*, Translated by Vahid Mahmoudi, Tehran: Negah Danesh Publications, Second Edition.
- UNDP. (2022). *Human Development Index (HDI)*, available at: <https://hdr.undp.org/data-center/human-development-index#/indicies/HDI>. June, 18, 2022.
- Vaggi, G. (2018). *Development: The Re-balancing of Economic Powers*, Springer. 172 pages. ISBN: 978-3-319-54878-4. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-54879-1>
- Vakilipour, S. Sadeghi-Niaraki, A. Ghodousi, M. Choi, S.-M. (2021). "Comparison between Multi-Criteria Decision-Making Methods and Evaluating the Quality of Life at Different Spatial Levels". *Sustainability* **13**(7): 4067.
- Wang, Y. J. Lee, H. S. and Lin, K. (2003). "Fuzzy TOPSIS for Multi-Criteria Decision Making". *International Mathematical Journal* **3**: 367-379.
- WCED (1987). *Our Common Future*, New York: Oxford University Press.
- World Bank (2021). available at: <http://databank.worldbank.org/data/indicator>.
- World Health Organization (2016). *World Health Statistics 2016: Monitoring Health for the SDGs Sustainable Development Goals*, World Health Organization.

- Zarifian, Sh. & Latifi, S. (2018). "A Comparative Study of Application of MADM Techniques in Measurement of Rural Development Level in Hamadan Province of Iran". Journal of Village and Development **21**(2): 29-53. Dor: 20.1001.1.15633322.1397.21.2.2.0.
- Zavadskas, E. K. Mardani, A. Turskis, Z. Jusoh, A. & Nor, K. M. (2016). "Development of TOPSIS Method to Solve Complicated Decision-Making Problems—an Overview on Developments from 2000 to 2015." International Journal of Information Technology & Decision Making **15**(3): 645-682.
- Zayari, K. (2017). *Regional Planning Principles and Methods*, Tehran: Tehran University Press. Eighth edition.
- Zayari, K. Hajibabaei, S. & Zakerhaghighi, K. (2022). "Analysis of Smart Urban Growth Indicators Using Topsis Multi-Criteria Decision Making Model (Case Study: Hamadan City)". Geographical Planning of Space Quarterly Journal **11**(42): 127-142.

Identification of the distribution of development in Afghanistan using the Euclidean TOPSIS technique

Vali Mohammad Fayez¹
Seyyed Mohammad Baqer Najafi^{2*}
Mohammadsharif Karimi³
Jamal Fathollahi⁴

Received: 20-08-2022

Accepted: 03-10-2022

Introduction: One of the first steps towards sustainable development is to establish equality between and within generations. In other words, sustainable development requires improving the welfare of the poor people of the society to reduce inequality. Inequality makes it difficult to achieve development in different ways such as the destruction of capital and social cohesion and the weakening of national security. This is because it prevents political stability. Moreover, inequality has a serious negative effect on the development of society by preventing capital formation and human development. Economic equality has a higher importance in countries with ethnic and religious diversity like Afghanistan. It has a major role in destroying the social cohesion of the society. On the one hand, the incentive for inequality of opportunities increases the interests and benefits of the governing groups, and, on the other hand, inequality is considered immoral and attributed to privileged groups and their rent-seeking. One of the important issues in Afghanistan seems to be the unequal distribution of development among different provinces of the country. Therefore, the first step in planning regional development and achieving more balanced growth and development in Afghanistan is to investigate the current situation of different provinces according to the degree of their development. The present research aims to investigate the difference in the level of development in Afghanistan in 2015 and 2019. Development can be measured based on various criteria such as income, literacy, education, health, physical and communication infrastructure. Thus, the degree of development in Afghanistan's provinces was examined by combining different criteria whose data could be accessed.

Methodology: This study provided a new methodological instrument to supervise the development process of different areas in Afghanistan. The differences in the development level of 34 provinces of Afghanistan were examined by a three-step approach, including the selection of the development indicators, calculation of the degree of development in the

¹. PhD student in Economics, Razi University, Kermanshah

². Associate Professor of Economic Department, Razi University, Kermanshah
Email: najafismb@gmail.com

³. Associate Professor of Economics Department, Razi University, Kermanshah

⁴. Assistant Professor of Economics Department, Razi University, Kermanshah

provinces, and analysis of regional changes. Therefore, the TOPSIS technique, which is a ranking method, was used to understand the level of development and their spatial equality. It should be noted that the TOPSIS technique is a practical instrument to select and rank different alternatives. The data about the indicators were collected from the statistics of the World Bank, the United Nations, and the Central Bureau of Statistics and Information of Afghanistan.

Results and Discussion: According to the results, Kabul Province had the first rank of development in both periods. The development of Kabul decreased in 2019 compared to 2015 and reached 0.5280 from one. The level of development also decreased in other provinces of Afghanistan, except for Kunduz, Herat, and Helmand. The classification of Afghanistan's provinces into developed, developing, and underdeveloped categories indicates that only Kabul is a developed province. Most of the provinces of Afghanistan are in the developing category with a short distance from the underdeveloped ones. The changes in many provinces included in this category are similar to those in Kabul Province, but they cannot improve their conditions or maintain their previous situation. In general, development has not improved in this country considering that the average development of the provinces did not increase in 2019 compared to 2015, and the standard deviation of the country's development did not decrease either. As the gap between the most developed and the least developed provinces increases, the intensity of regional inequality and imbalance increases too.

Conclusion: According to the results, the policies adopted in Afghanistan did not improve the initial unequal conditions; rather, it worsened them. What has been achieved in limited areas has not penetrated to the bottom and has only been intensified through creating divisions in the center-periphery situation. Most of the small material and physical resources are concentrated in Kabul Province, and the severe poverty of the surrounding provinces has been neglected. However, the severe economic inequality between urban and rural areas and the center and periphery is only one example of the inequality that this country is faced with. Inequality can also be proposed and investigated in other areas such as social status and acceptability, power, working conditions, accessibility to job opportunities, and the selection right, which requires further research. To reduce poverty and inequality, it is necessary to pay attention to development programs. In this regard, planning for easier and fairer access to health and treatment facilities and primary education is very helpful. The expansion of educational and health services in poor areas helps to break the cycle of poverty and reduce inequalities by increasing their capabilities.

Keywords: Development, Inequality, TOPSIS, Afghanistan.

JEL Classification: O1, O18, O53.